



احزاب سیاسی ایران

محمود نفیسی

نقش زنان در انقلاب بهمن ۱۳۵۷

زود در گشود و هزاران هزار مخالف خمینی را در خود جای داد و به مسلح شکنجه و اعدام کشاند، گواهی بر این مدعاست. اما شعارهای آزادی و استقلال زنان جز نزد محدودی جایگاهی در خور نیافت.^(۱) چند هفته ای پس از به قدرت رسیدن اسلامی گرایان، و پس از فرمان خمینی برای اجرایی کردن حجاب در محل کار، صدای اعتراض هزاران زن در خیابان های تهران که فریاد من زدند آزادی، نه شرقی نه غربی، بل جهانی است به جائی نرسید. اما

نقش نهایانی در شبکه عنکبوتی تبلیغ و تهییج و کترول و سرکوب بازی کردند که به واسطه کیتیه ها و انجمن های اسلامی در خیابان ها، مدارس، دانشگاه ها، ادارات و کارخانه ها و دیگر مکان های کار و فعالیت تار گسترد. در مقابل، نیروهای انقلابی غیراسلامی و رای عکس العمل های اینجا و آنجا، واکنشی در خور نداشتند. زنان بسیاری در صفوف انقلابیون غیر اسلام گرا فعال بودند. شمار بالای زنان در زندان های سیاسی نظام اسلامی که خیلی

بی خبری بزرگ : «حضور انبوه زنان در انقلاب به رسمیت شناختن حق آنان را برای آزادی و برابری در پی نداشت. اسلام گرایان با اذعان به گستردگی این حضور، به کترول و سمت و سوادان به آن در جهت اهداف خود برآمدند. جدا کردن زن و مرد در صفحه های تظاهرات و صلاحی اسلامیون در تشویق حجاب «خواهان» اولين نشانه های این استراتژی بود که با بسیج زنان «حزب الله» کارانی بیشتری یافت. اینان به زودی

ندارند زن ایرانی را به زن غربی تبدیل کنند «ضمن اینکه رسانه های جمعی تحت کنترل دولت قرار داشتند» یا اینکه تبلیغات آشفته ای از این دست، تعارضی واقعی بود که در سرنشست هر کشور در حال توسعه ای نهفته است؟ کشوری که به سرعت به سمت نظام جهانی سرمایه داری جذب می شود و در عین حال بی وقهه به فرهنگ و سنت آن می تازد و نیز در آتش اشتیاق برای دستیابی به موقعیت آن نظام می سوزد آنچه مسلم است این که مبنای همه این تصویرات غلط، اعتقاد از پذیرش تساوی جنس ها بود. این دیدگاه سنتی از سوی مقامات رده بالای تصمیم گیران کشور و نیز از سوی زنان و

من دهد هرچند هدف این کتاب نشان دادن نقش زنان در جهان و تأکید خاص بر زنان ایران بود اما نویسنده با انتقاد از زندگی زنان امریکائی کتاب خود را شروع کرده بود در این کتاب از زنان قشر ممتاز طبقه بورژوازی آمریکا یاد شده بود و نویسنده یک رشته ویژگی هایی برای آنان سرهم بندی کرده بود مانند: «زن امریکائی خلی و لخچ و پرهزینه است» «زن امریکائی مبدع نیست مقلد است» «زن امریکائی در تلاش بیهوده اش برای تقلید از مردان کمتر از یک زن است». (۲) تصویر عرضه شده از هر زن امریکائی با تصویر یک زن فمینیست رهانی یافته یکی قالمداد می شد که البته هر دو ساختگی و نادرست، بود نشریات زنان، پیوسته پیام های گیج و گمراه کننده را منتشر می کردند یک هفته ترجمه مصاحبه ای با «گلوریا استاینهم» را چاپ می کردند و هفته بعد زنان ایرانی را به خاطر نداشتن رفتار «خاتمانه» مناسب مانند زنان غربی نکوهش می کردند و به زنان نشان می دادند که چطور مردان را به «دام بیندازند» یا چگونه آنان را با آخرین مد

پس از تجربه تلغی جمهوری اسلامی، روز به روز این صدا در تبعید، در ایران هزاران طنین دیگر یافت تا امروز که بعضی فمینیسم، به همت زنان پیشرو، در دل فعالیت های خارج از کشور و در قلب جنبش های مدنی در ایران می زند که تفسیر برای آزادی و برابری را می خواهند؛ آن برابری که تحقیق سخت به رهانی از بند جمهوری اسلامی و جدائی دین از دولت گره خورده و جنبش زنان را با همه فراز و نشیب ها از مهمترین پرچمداران حرکت دموکراسی خواهی در ایران کرده است.

جهد اشتغال‌زدایی از جنبش آزادی زنان در غرب.

مشکل دیگر در رابطه با ارتقای آگاهی زنان، به برداشت نادرست مردم از جنبش آزادی زنان در غرب باز می گردد. گزارش و پوشش خبری رسانه ای حتی از سوی نشریات زنان از جنبش آزادی زنان در جهان غیر دقیق و نادرست بود نشریات و روزنامه ها زنان متخصص و شاغل را افسرده و خسته و از پا افتاده به تصویر می کشیدند عجیب ترین داستان ها را درباره آزادی جنسی زنان فمینیست و رهانی یافته سر هم می کردند. زنان مستقل و مجرد را غمگین و مغلوب و سیه روز به تصویر می کشیدند و تصویری مبالغه امیز و غلط از جنبش های حقوق زنان ارائه می کردند. جنبه جالب توجه این امر، تصور آنان از هر زن امریکائی به عنوان زنی فمینیست و رهانی یافته بود که البته با حس شدید تنفر پیوند خورده بود. هر کار و فعالیت و رفتاری از سوی یک زن امریکائی به عنوان فعالیت و رفتارهای ناشی از پیروی آنان از الگوهای فمینیستی تصویر می شد. (۲)

برای نمونه کتابی که بر مبنای نظرات بطورو کامل‌آشخاص نوشته شده بود و در سال ۱۳۴۷ منتشر شد، نمونه ای از این نوع تصویرات را نسبت به جنبش فمینیستی در غرب نشان



مردان طبقات پاتین حفظ کنند. در آن زمان هیچ نشریه فمینیستی در ایران وجود نداشت. با تأمل به این مجموعه متفاوت این پرسش بوجود می آید که آیا این جریان، نقشه ای برنامه ریزی شده توسط حاکمیت بود تا به عناصر محافظه کار و سنت گرا اطمینان دهد که آنان قصد «من با اینکه برای زنان امریکائی احترام زیادی

می کردند. بخصوص در ماه های پیش از انقلاب ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ و پس از پیروزی انقلاب نیز روی برپانی حکومت اسلامی تأکید داشتند بدون آنکه بطور اصولی بدانند این حکومت اسلام، چیست؟

دکتر نیره توحیدی سوپرست بخش مطالبات زنان در داشتگاه ایالتی کالیفرنیا این تفاوت را در واژه «خودآگاهی جنسیتی» خلاصه می‌کند و می‌گوید: «امروز برخلاف سال ۱۳۵۷، مسأله زنان، مطالبات آنان و بطور اصولی خودآگاهی جنسیتی در جامعه بطور کلی جلوتر است بهخصوص اینکه یک جنبش خودآگاه و مستقل فمینیستی وجود دارد که پیش از این وجود نداشت و در انقلاب ۵۷ هم تنها مسأله زنان مطرح نبود. نه تنها تشکلی از زنان و گفتمان فمینیستی وجود نداشت بلکه همه چیز در یک جنبش پوپولیستی خود شاه دیکتاتور و خدمت امپرالیست حل شده بود و حتی عنصر دموکراسی خواهی هم بسیار کم و ضعیف بود و گفتمان دموکراسی و حقوق بشر نیز وجود نداشت. بنابراین امروز تفاوت ها بسیار است. » محبوبه عباسقلیزاده نیز با تأکید بر خودآگاهی فمینیستی زنان در جنبش کنونیمی گوید شعارها و مطالبات و انگیزه های زنان در آن دوره توده وار و بر مبنای رابطه کاریزماتیک بین رهبر و فرد بود و مطالبه شخصی که نشان دهنده خواسته ها و ارزوهای زنانه باشد در شعارهای آن روزها به صورت یک پدیده اجتماعی دیده نمی شد. اما در جنبش سبز، زنان مطالبات زنانه دارند و توجه به فردیت زنانه برایشان اهمیت دارد و موضوعاتی مثل آزادی و برابری و حقوق شهروندان

کشور به آنها محول شده یا خود پذیرفته اند.
در بسیاری از حوزه ها، هنجارهای رفتار سنتی
رو و به اضطراب و جایگزینی با هنجارهای
جدید هستند. اما به ندرت این جایگزینی
نوام با تحول در بینش و نگرش است. به نظر
می آید نوعی آکاهی ضمنی از انتظارات رو و به
فرمایش جامعه از زنان، همراه با تردیدها و
پامخواهی های بسیار درباره تساوی و برابری
موجود آمده است.»^(۴)

طرح خواسته ها و شعارهای ویژه زنان

طرح خواسته‌ها و شعارهای مخصوص زنان چیزی بود که در انقلاب سال ۱۳۵۷ وجود نداشت. بطور تقریب هیچ شعار و یا خواسته‌ای با محوریت زنان مطرح نمی‌شد. طالبات حول همان هدف اصلی سقوط رژیم شاه بود و خواسته‌های زنان هیچگاه بطور جداگانه مطرح نشد. محبوبه عباسقلی راده در این باره چنین می‌گوید: «در انقلاب ۱۳۵۷ زنان توهه وار شرکت داشتند. آنان خواسته‌های مشخص نداشتن و همان خواسته‌های کلی مبنی بر اینکه شاه باید برود و رژیم سلطنتی باید سرنگون شود را تکرار

قالیم، در چهار آنها نیز آثار و عالم نارخایتی و تشویش خاطر بسیار دیده ام.»^(۴) گزارشگری در مصاحبه با همسر بنی سواد یک مرد کاسب در آفر- دی ۱۳۵۷، از زن باحجابی می پرسد که آیا او طالب آزادی بیشتری است. زن پاسخ می دهد «به زنان امریکانی نگاه کنید، می گویند آنها همه نوع آزادی دارند، اما خوب شنخت نیستند و دائم هم به روانپردازشک مراجعه می کنند.»^(۵) نمی توان با وجود این تضادها به فهم درستی رسید مگر آنکه اشتراک فکری و فرهنگی که در پس این دو اظهار نظر وجود دارد در ک کنیم، یعنی شکاف عمیقی که بین تلاش در جهت آموزش و آماده سازی زنان برای پیوستن به نیروی کار و دستیابی به اصلاحات قانونی از یک سو، و حمایت از تابرجایی و فروضی زنان از سوی دیگر وجود دارد. شهرزاد سیاسی به درستی می نویسد: «هرچند در گذشته نقش های فمینیستی انعطاف بسیار کمتری داشت اما این نقش ها باعث می شد زنان از هویت خود احساس رضایت داشته باشند اکنون زنان ایران با عدم سازگاری بین نقش های جنسیتی ستی و نقش های جدید خود مواجه اند؛ نقش های جدیدی که به عنوان یخشی از مدرنیزاسیون



و مشخص تر هم می شود
ادامه دارد

پانویس

- ۱- برای آگاهی پیشتر نگاه کنید به: مهناز منین؛ «بازی‌بی تجربه اتحاد ملی زنان (۱۳۵۷-۱۳۶۰)»، نشر نقطه. همچنین به مجله آواز زن، شماره ۳۰، سوند، پائیز ۱۹۹۷، مقاله از نان و مش سیاست مخفی در ایران، ۱۹۷۰-۱۹۸۵ حامد شهبازیان / مترجم: گیتا میبا
- ۲- کلیشه‌های مشابهی هنوز در آمریکا و دیگر کشورهای جهان وجودهارد. بواسطه سرفت متعطف جنبش حقوق زنان، همه افراد احساس آزادی عمل برای شخصی کردن آن می‌کنند و در نتیجه تفاسیر غلطان از مفهوم اجتماعی آن بوجود می‌آید.
- ۳- مهرداد مهرین؛ زن و نقش او؛ تهران؛ عطای، ۱۳۴۲، ص ۳۹
- ۴- محدث‌ها پهلوی؛ مأموریت برای وطن؛ تهران؛ چاچخانه سمعی و بصیری هنرهای زیای کشور؛ ص ۱۷۸ و ۴۷۸
- ۵- نیویورک تایمز؛ ۱۷ دسامبر ۱۹۷۸ صفحه ۱۲
- ۶- SISSSI (Self and Role Perception) page ۲۴، ۲۵

همچنین بر این باور است که بطور اصولی جنبش سبز در برگیرنده چندین جنبش است که جنبش فمینیستی یکی از آنهاست. به باور وی اگر این خرد جنبش‌ها نبودند جنبش سبز به این صورت شکل نمی‌گرفت. خالص توحیدی می‌گوید: «اینطور نیست که ما خرد جنبش‌های مدنی را از جنبش سبز و یا جنبش عمومی دموکراسی خواهی جدا کنم. یک جنبش آرمانگرا داریم که مطالبه محور است و خواسته هایش هم مشخص است و از چندین کمین به طور تقریب متشکل تشکیل شده است. این کمین‌ها نیز چندین ائتلاف را تشکیل می‌دهند و هدف و مطالبات مشخص دارند. پیش از انتخابات هم، ائتلاف گرایی زنان را داشتیم که بسیار مطالبه محور و مشخص بود. جنبش دانشجویی، جنبش الیته بطور نسبی ضعیف کارگری و همینطور جنبش‌های قومی نیز داریم که هر کدام مطالبات خاص خود را دارند و از سوی دیگر جنبش مدنی وسیع‌تر از دموکراسی خواهی داریم که مطالباتش را دارد

در مصاحبه‌ها و حتی شعارهای زنان دیده می‌شود و نشان می‌دهد که زنان از خودآگاهی جنسیتی برخوردارند. شاید مهمترین تفاوت این دوره در این جمله باشد که زنان در انقلاب سال ۱۳۵۷ خودآگاهی فمینیستی نداشتند اما در جنبش سبز از خودآگاهی جنسیتی برخوردارند. حضور بزرگ «جنبش فمینیستی» و استفاده وسیع از واژه جنبش و جنبش فمینیستی شاید بیش از یک دهه در ایران عمر نداشته باشد، پس بن راه نیست اگر گفته شود در زمان وقوع انقلاب سال ۱۳۵۷ بطور اصولی جنبش به عنوان حرکتی و رای بخش بسیار آگاه زنان در ایران، بسیار ضعیف بوده است. دکتر نیره وحیدی این مسأله را نیز یکی دیگر از تفاوت‌های حضور زنان در جنبش اعترافی سبز با انقلاب سال ۱۳۵۷ می‌داند. او می‌گوید: «ما امروز یک جنبش فمینیستی داریم که دست کم ده سال است شکل گرفته؛ جنبش مستقل که مطالبات خود را دارد. بطور مسلم این حد از خودآگاهی فمینیستی و کادرهای فمینیستی را که امروزه درگیر و یا در زندان هستند در سال ۱۳۵۷ نداشتم. امروزه بسیاری از زنان هم در جنبش عمومی و دموکراسی خواهی سیاسی و هم در جنبش زنان فعالند و تعداد زیادی هم از این زنان به جرم فعالیت برای جنبش زنان در زندان هستند. ما چنین شرایطی را در سال ۱۳۵۷ نداشتم.» دکتر توحیدی

